

مکتوب جدید فارسی عمومی که هنوز ارسال نگردیده

هو الله

اللّٰهُمَّ يا الهی و محبوبی و مطلوبی و مقصودی انّ هذا يوم الاول من الرّضوان قد اتى بفرح و سرور و روح و ريحان فالارياح قد هبّت و الغيوم فاضت و الشمس اشرقت بفضلک و بسطت ریح الصّبا في هذا الرّبيع البديع على السّهول و الحزون بفيضک المشکور زرايئة سندسيّة ينعكس منها ابداع الوان عبقریّة مرصّعة بحلل الزّهور و الاوراق الّتی تخطف نضرتها الابصار و التّسيم رخيم و المّعين نمير و الرّوض انيق و الايك نضير و الغمام مطير و الکوکب منير بفيض جودک و عطائک فاصبحت الغبراء خضرآء بعنايتک و البسيطة جنّة المأوى برحمتک اذ اتى يا الهی يومک الرّضوان بعظمة و سلطان و کوکبة تملأ الامکان و موكبة من الرّوح و الرّيحان و خيم في قطب الآفاق بسطوع انوار الاشرار و ساق جيوشه و بعث جنوده الى المشارق و المغارب في قطب الجنان فامتلا قلب احبائک فرحاً و سرورا و انجذبوا بنفحاتک طرباً و حورا فقاموا على ثنائک شوقاً و توقا و سقاهاهم ربّهم شراباً طهورا و لك الحمد يا الهی على ما انعمت و لك الشّکر يا منائی على ما اکرمتم و لك المنّ يا محبوبی على ما اعطيت الهی الهی انت المقصود فافتح على وجوه احبائک في هذا اليوم المشهود ابواب الفضل و الجود و انشر على رؤسهم شراع الهدی في السّفينة الحمراء و احشرهم تحت راية الفضل و العطاء و انزل عليهم آية التّأييد في قطب الانشاء ربّ ربّ اجعلهم نجوماً باهرة و سُرجاً ساطعة و کواكب لامعة و شهباً ثاقبة حتّى يقوموا على خدمة امرک بين خلقک و ايقاد نار محبّتک في قلوب بريّتک و نشر آثارک في بلادک و تربية النفوس في مملکتک فتمتدّ في الارض مائدة سمائک و يصبح الامکان جنّة الابهی بقدرتک و الغبراء غبطة للخضرآء بفيض حکمتک اللّهم اجعل احبائک ملائکة سمائک في ارضک و اصفیائک حزب ملکوتک في ملکک هذا منتهی امل عبدک الّذی خضع لسلطانک و سجد بيباک و تذلل لعزّتک و اکبّ بوجهه على التّراب لسلطنتک انک انت الکريم الرّحيم العزيز الوهاب

ای یاران روحانی عبدالبهاء در ایندم که کوکب عید رضوان از مشرق امکان درخشنده و تابان و جهان از وجد و طرب در نهایت روح و ریحان جذب و سرور است وله و حور و تجلّی یوم مشکور شادمانیست و کامرانی روحانیست و وجدانی نغمه و آهنگ است و ترانه چغانه و چنگ از هر جهت آثار فرح ظاهر و از هر سمت انوار جذب و وله باهر یاران الهی در نهایت شادمانی و اصفیاء رحمانی در منتهای کامرانی زیرا یوم خروج اسم اعظمست در عراق از مدینه الله بحدیقه نورا و حضرت مقصود در آن یوم مشهود در نهایت فرح و سرور بودند لهذا اشراق آن بشاشت ملکوت وجود را احاطه نمود و در آن روز فیروز اعلاء کلمة الله بر جمیع امکان گشت

پس ای یاران الهی در این عید مبارک باید کلّ چنان وجد و سروری نمائید که ملکوت وجود را بحرکت آرید لهذا عبدالبهاء بشارت کبری فائز و نهایت تضرّع و ابتهاج را بدرگاه جمال ابهی مینماید که جمیع یارانرا بروح و ریحان آرد و سرور و شادمانی بخشد و امیدواریم که در سنه آتیه دوستان حضرت رحمن در بلاد آزاد در نهایت روح و ریحان مشرق الاذکار بنیاد نمایند و بمحامد و نعوت جمال مختار واضحاً مشهوداً قیام کنند و ادای صلاة فرمایند زیرا در عالم عبادت صوم و صلاة دو رکن اعظم شریعت الله است فتور ابداً جائز نه و قصور یقیناً لائق نیست در زیارت میفرماید اسئل الله بک و بالذین استضائت وجوههم من انوار وجهک و اتبعوا ما امروا به حبّاً لنفسک میفرماید که متابعت احکام الهی منبعث از محبّت جمال محبوب و سالک چون مستغرق در بحر محبّت الله شود بحرکت شوقیه قیام بر متابعت اوامر الله نماید لهذا ممکن نیست که در قلبی نفحه محبّت الله باشد و بعبادت حق قیام نماید مگر در مقامی که سبب فزع و جزع مبغضین شود و فساد عظیم بر پا گردد والا مفتون آن جمال ابهی البتّه دائماً در عبادت حضرت ربوبیت مداومت فرماید

ای یاران الهی عبدالبهاء از فساد اعدا و فتنه مرکز نقض در خطری عظیم است هر واقعه‌ئی که رخ دهد از جزئی و کلی نفسی را متهم نمائید جمیع از فساد و عناد مرکز نقض است اسئل الله ان يجعله ثائباً راجعاً الى العهد و الميثاق والا فسوف یری نفسه فی خسران مبین در این ایام در تصور آنست که اسباب فراری فراهم آرد و از ارض مقدس بگریزد تا در فتنه بیشتر کوشد و فرارش سبب ازدیاد صدمات و بلاهای این عبد و احباء الله گردد آنچه توانست از انواع دسائس و رذائل و فتنه‌جویی و شرارت و اغوا و افترا مجری نمود و کوتاهی نکرد چیزی که باقی گذاشته فرار است و حال در صدد آن که عار فرار اختیار کند و سبب ذلت کبری گردد و فتنه عظمی اگر فرصت بدست آورد دقیقه‌ئی در فرار تأخیر نماید اما تمکنش در فرار مشکوکست اما در صورت وقوع باید احبای الهی بیدار باشند و هوشیار و در جمیع جهات مواظب باشند که مبدا رخنه‌ئی در امر الله کند و سبب نشر نفعه کریهه بغضا گردد از بعد از صعود تا بحال آنچه سبب تضعیف امر الله بود مجری داشت حال نیت این عمل مکروه مذموم را نیز دارد در این ایام بعضی از نفوس مهمه تصور آن داشتند که بکوشند تا رفع سجن از عبدالبهاء گردد و مقتدر بر آن بودند ولی این عبد در جواب گفت که این قلعه سجن جمال ابهاست قریب بیست و چهار سال جمال مبارک در این زندان بودند لهذا من رهائی از این زندانرا نخواهم و طلب نجات نکنم بلکه تجدید سجن را جویانم و بمنت‌های آرزو اعظم از آنرا خواهم آن نفوس از این بیان متحیر ماندند مقصد آن بود که بدانند زندان در سیل یزدان از بهر ما ایوانست و تنگنای چاه اوج ماه فی الحقیقه چنین است هذا هو الحق و ما بعد الحق الا الضلال المبین مرکز نقض را امید چنین است که چون خون این مسجونرا هدر دهد میدانی خواهد یافت و جولانی خواهد داد بئس الظن هذا الظن ان بعض الظن اثم عظیم سرمستان صهباى میثاق از اهل نفاق بیزارند و مقتبسان نور اشراق از اهل شقاق در کنار بلبل وفا اگر بحدیقه بقا پرواز نماید نفس هوشیار نعیب زاغ و نعیق کلاغ را استماع نخواهد و وجه ملیح صبیح اگر در پس پرده حجاب رود روی کریه قبیح را هیچ دانائی نظر نماید مگر نفسی فتنه‌انگیز و بی عقل و تمیز اعاذکم الله من شرور الناقضین و فساد الناکثین

ای احبای الهی متحد و متفق شوید و بعروة الوثقای میثاق متشبث و در اعلاى کلمه الله سعی بلیغ و جهد جهید بنمائید تا نور حقیقت آفاق امکانرا بتمامه منور نماید و ظلمت بغضا و ضلال بکلی زائل گردد مرکز نقض اگر چنانچه ضررش مجرد باینعبد بود و بغضایش مخصوص باینمظلوم مسجون والله الذی لا اله الا هو که کلمه‌ئی در مقابل رسائل شبهات و مفتریات او تکلم نمینمودم ولی چه توان نمود که تحریف کلمات الله نموده و هدم شریعت الله و نقض میثاق الله روا داشته اگر محض ایفاظ یاران بکلماتی چند رفع شبهات نمینمودم شریعت الله بکلی از میان میرفت والله الذی لا اله الا هو مجبوراً این کلمات مختصره مرقوم میشود والا اینعبد ابدأ راضی بآن نیست که کلمه وهنی در حق اعدا عدو خویش بر زبان رانم با وجود جمیع این وقایع باز دعا کنم و عجز و نیاز نمایم بلکه از این ملاعب صبیان بگذرد و از ظلم و طغیان راجع شود و تائب گردد و در ظل میثاق درآید والله الذی لا اله الا هو نهایت محبت و مهربانیرا نمایم و از گذشته کلمه‌ئی بر زبان نرانم و تکلیفی باو ندارم مگر آنچه تحریف نموده تصحیح نماید باری اس اساس شریعت الله اینست که احبای الهی با جمیع ملل و امم در نهایت مهربانی و مودت و یگانگی و صدق و صفا و وفا معامله نمایند ابدأ بر خلاف این اساس متین با نفسی رفتار ننمایند مگر نفسیکه صرف بغضا باشد و عمداً هدم شریعت الله خواهد این نفوس ابدأ چاره‌ئی ندارند میدانی از برای ایشان نباید گذاشت که جولان نمایند زیرا شهادت حضرت اعلی و شهادت جمیع شهدا و سفک این خونهای مطهر و بلایا و محن و سجن و رزایای خمسین سنه جمال انور را بکلی هدر دهند و بنیان عظیم امر الله را قاعاً صفصفا کنند لهذا باید از این نفوس احتراز نمود و همدم و دمساز نگشت الا ان یتوبوا الى الله ان ربی تواب رحیم و توبه نیز باید صمیمی باشد نه لفظی توبه مظهر نقض اینست که تحریف را تصحیح کند و اقرار بآنچه کرده بنماید و تائب الی الله گردد والا یومی بواسطه حضرت علی قبل اکبر نزد عبدالبهاء آمد و در را بیست و اعتراف بر گناه نمود و عفو خطیئات خواست و اینعبد نیز عفو نمود بعد از چند روز واضح و

مشهود شد که این نیز حيله و تزويرى بود و مقصد آنکه نفوس را بخفا ملاقات نمايد و القاء شبهات کند زیرا احبای الهی
احتراز از معاشرت مینمودند مقصود اینست که توبه صمیمی از توبه صناعی باید ممتاز گردد آنوقت قبول شود و علیکم التَّحِيَّة و
التَّنَاء

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ بعد از ظهر